

جامعه شناسی کاربردی

سال بیست و سوم، شماره پیاپی (۴۷)، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۱۹

صص ۱۹-۳۶

بررسی نگرش دانشجویان پیرامون پیامدهای فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی

محمد جواد لیاقتدار، دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان*

مرضیه نوروزی لرکی، کارشناس ارشد دانشگاه اصفهان

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی پیامدهای فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی بوده است. روش پژوهش، توصیفی از نوع پیمایشی و جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه‌های شهید بهشتی و علامه طباطبایی تهران، بوعلی سینا همدان و شهید چمران اهواز بودند که از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم، تعداد ۴۰۳ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بود و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ برآورد شد. ضمن بهره‌گیری از نرم افزار SPSS و دیگر مستندات، داده‌های حاصل از پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که از نظر دانشجویان پیامدهای فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی ناشی از افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی بیش از حد متوسط بوده، در سطح خطای ۵ درصد معنادار است. میانگین پیامدهای فرهنگی - اجتماعی بیشتر از پیامدهای فردی - خانوادگی بوده است. بررسی عوامل جمعیت شناختی نشان داد که دانشجویان زن در مقایسه با دانشجویان مرد تأکید بیشتری روی پیامدهای فرهنگی - اجتماعی متأثر از ازدیاد داوطلبان دختر داشته‌اند. در سایر عوامل جمعیت شناختی (گروه تحصیلی، مقطع تحصیلی، ترم تحصیلی، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال) تفاوت معناداری مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی، پیامدهای فردی - خانوادگی، پیامدهای فرهنگی - اجتماعی، زنان

مقدمه

آموزش عالی گوی سبقت را ربوده‌اند. آنان یک قرن و نیم عقب ماندگی از مردان را در این بخش جبران کرده و سهم خود را نسبت به مردان افزایش داده‌اند. اتفاق مهمی که در تحولات نظام آموزش عالی رخ داده، رشد ۳۰۰ درصدی تعداد دانشجویان زن از سال ۱۳۶۷ به بعد است. این رشد جهش گونه می‌تواند دلایل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زیادی داشته باشد، از جمله حذف ممنوعیت ورود زنان به برخی از رشته‌های دانشگاهی که از سال ۱۳۷۲ به بعد ابلاغ شد، اعتماد بیشتر خانواده‌ها به حضور دختران در محیط‌های دانشگاهی، رواج روحیه مدرک‌گرایی در جامعه، ایجاد فرصت‌های اشتغال بیشتر و بهتر برای زنان، نیاز زنان به ارتقای جایگاه اجتماعی و رفع محرومیت‌ها و کمبودهای گذشته، احساس نیاز زنان به پایگاه اقتصادی و استقلال مالی در خانواده و جامعه و داشتن آزادی بیشتر در انتخاب همسر (کدیور، ۱۳۸۲).

شایان ذکر است که افزایش میزان حضور و مشارکت زنان در آموزش عالی منحصر به کشور ما نبوده و در دیگر کشورها نیز این روند وجود داشته است. برای مثال، ون ولی معتقد است که یکی از تحولات مهم نظام‌های آموزش عالی، خصوصاً در آمریکای شمالی، تحول در میزان مشارکت زنان در آموزش عالی است. بنا به گزارش وی در سال تحصیلی ۲۰۰۰-۱۹۹۹، ۵۵ درصد از دانشجویان دوره کارشناسی، زنان بوده‌اند و به نظر می‌رسد که این میزان تا پایان سال ۲۰۱۰ م. به ۶۰ درصد برسد (ون ولی^۴، ۲۰۰۱: ۳۸). همچنین، از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ در اتریش، فنلاند، آلمان، اسپانیا و ایرلند، شمار ثبت نام زنان در آموزش عالی دو برابر شده و تحقیقات در ۲۴ کشور اروپایی، بیانگر آن است که هم اکنون روند

پس از جنگ جهانی دوم به خاطر تسهیلاتی که در اختیار مردان از جنگ برگشته قرار داده شد، دانشگاه‌ها با افزایش تعداد مردان روبه‌رو شدند، ولی اکنون به خاطر آموزش‌های مخصوصی که زنان در زندگی خود می‌بینند و برای افزایش آگاهی و دستیابی به حقوق واقعی خویش با نرخ ۱۷ درصد بیشتر از مردان وارد سیستم آموزش عالی می‌شوند (کینگزبری^۱، ۲۰۰۷) و یکی از مسائل عمده‌ای که دانشگاه‌های ایران و سایر کشورهای دنیا، مانند هاروارد، پرینستون، استنفورد، رایس، دوکی و پال در دهه اخیر با آن روبه‌رو هستند، افزایش ورود داوطلبان دختر به دانشگاه‌ها و گرایش زنان به آموزش عالی است. بر اساس آمار سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۰ م. فاصله دختران و پسران در آموزش عالی رو به کاهش نهاده و حتی افزایش به نفع دختران بوده است. این به آن معناست که روند افزایش حضور دختران در دانشگاه‌ها به یک پدیده جهانی تبدیل شده است (لوکنبیل^۲، ۲۰۰۲). همین‌طور در ایران پس از انقلاب اسلامی، رهبران انقلاب بر آموزش زنان بسیار تأکید داشتند و اهمیت فعال بودن زنان در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته بود. در سیستم آموزشی کشور بعد از انقلاب، زنان از آزادی بیشتری برای حضور در مؤسسات آموزش عالی برخوردار شدند و در اواسط دهه ۱۳۷۰، زنان با تمام محدودیت‌ها توانستند در زمینه‌های مختلف پذیرفته شوند که قبل از آن برتری با مردان بود (شاورینی^۳، ۲۰۰۵). در دهه اخیر نیز در کشورمان، زنان از مردان در

¹ Kingsbury

² Luckenbill

³ Shavarani

⁴ Van Valey

۱۳۷۹ به بعد تعداد قبولی‌های دختران و زنان در دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی از مردان بیشتر شده است (پیشگاهی فرد و اسدی راد، ۱۳۸۲:۱۶۱).

جدول ۱- تعداد پذیرفته شدگان در دانشگاه‌های

دولتی برحسب جنس طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۵

سال تحصیلی	مرد و زن	مرد	زن
۱۳۷۰-۷۱	۷۱۴۳۳	۵۰۷۶۵	۲۰۶۶۸
۱۳۷۵-۷۶	۱۵۸۰۵۶	۹۰۶۰۰	۶۷۴۵۶
۱۳۸۰-۸۱	۲۰۵۰۲۶	۹۸۵۸۹	۱۰۶۴۳۷
۱۳۸۱-۸۲	۲۲۱۰۰۶	۱۰۴۰۷۹	۱۱۶۹۲۷
۱۳۸۲-۸۳	۲۶۱۴۰۱	۱۲۰۳۹۹	۱۴۱۰۰۲
۱۳۸۳-۸۴	۲۶۶۴۷۰	۱۲۳۵۰۳	۱۴۲۹۶۷
۱۳۸۴-۸۵	۳۴۰۵۲۶	۱۵۴۶۶۹	۱۸۵۸۵۷

مأخذ: سالنامه آماری کشور سال ۱۳۸۵

پس از بیان علل و انگیزه های زنان برای ورود به آموزش عالی، پیامدهای این پدیده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در گزارش بانک جهانی^۲ (2002:23)، آمده است که مشارکت زنان در جایگاه تصمیم سازی و تصمیم‌گیری در مدیریت کشور به استفاده بهینه از سرمایه‌های اجتماعی برای افزایش بهره‌وری ملی کمک می‌کند. حضور زنان در عرصه عمومی و سطوح تصمیم‌گیری، به اصلاح نظام اداری و بهبود کیفیت خدمات دولتی در کشورهای در حال توسعه کمک شایان توجهی کرده، باعث ارتقا دو شاخص توسعه انسانی تعدیل شده برحسب جنسیت و شاخص توانمندی جنسیتی می‌شود. پیامدهای تحصیلات عالی برای زنان از دیدگاه بودون (۱۳۸۳:۳۹) عبارت است از: مشارکت اجتماعی بیشتر

پذیرفته‌شدگان زن در آموزش عالی از مردان بیشتر است، اما این پیشرفت در بخش آموزش در اروپا در همه جا به یک شکل حفظ نشده است.

همین‌طور مطالعات کمیسیون اروپا نشان داده است که گرچه به دلایل فرهنگی و گرفتاری‌های خانوادگی زنان، تعداد آنها در پست‌های اجرایی بالا در دانشگاه‌ها بسیار کمتر از مردان است، اما نسبت زنان به مردان در مؤسسات آموزش عالی در کشورهای اروپایی ۱۰۳ به ۱۰۰ است که قابل بررسی است (لدویدز و منفدی^۱، ۲۰۰۰:۲۵).

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، گرایش بیشتری به تحصیلات دانشگاهی پیدا کرده‌اند و نرخ ورود آنان به دانشگاه‌ها، سال به سال روبه افزایش است. افزایش زنان در آموزش عمومی و عالی به گونه‌ای است که هم اکنون ضریب اشتغال به تحصیل زنان ایرانی در مقاطع دانشگاهی به نرخ‌های ۵۰ تا ۶۰ درصد می‌رسد (کاظمی پور، ۱۳۸۶:۴۷). به عقیده پیشگاهی فرد و اسدی راد، پاسخگویی به تقاضای فزاینده برای آموزش عالی، یکی از چالش‌های اساسی آموزش عالی در دهه اخیر در کشور ماست. شکل‌گیری پدیده تقاضای اجتماعی به دنبال ازدیاد جمعیت لازم‌التعلیم و اقبال عمومی به آموزش‌های دانشگاهی از یک طرف و یکسان بودن توسعه آموزش عالی برای زنان و مردان بدون هر گونه تبعیض و فارغ از نگرش جنسیتی به زنان از طرف دیگر، شرایط حضور آنان را در این بخش فراهم کرده و این مسأله تا آنجا پیش رفته است که از سال

² The International Bank

¹ Ledwith & Manfredi

زنان، اشتغال و کسب درآمد، مدیریت بحران در خانواده، زیر سؤال بردن باورهای کلیشه‌ای، مشارکت زنان در فرآیند تصمیم‌گیری خانواده، آگاهی بیشتر زنان از حقوق اجتماعی و شهروندی، بالارفتن سن ازدواج، کاهش باروری آنان و تربیت بهتر فرزندان. به عقیده محمودیان (۱۳۸۳:۳۱) و کاظمی پور (۱۳۸۳:۴۹) میانگین سن ازدواج زنان با سواد در مقایسه با افراد بی‌سواد بالاتر است و سطوح تحصیلی رابطه معکوسی با میانگین سن ازدواج دارند که مشخص می‌کند تحصیلات، با بهبود موقعیت ازدواج، تأخیر در ازدواج را به همراه داشته است. تغییرات بر حسب میزان تحصیلات نشان دهنده رابطه قویتر برای سطوح تحصیلات بالاتر است. بنابراین، تأثیر عمده تحصیلات، زمانی است که میزان آن از حد آستانه فراتر رود. همچنین، شیراهس^۱ (۲۰۰۰:۲۲) اظهار می‌کند که کاهش نرخ باروری با افزایش تعداد زنانی که به آموزش عالی راه یافته‌اند، ارتباط تنگاتنگی دارد. در مطالعات جنسن و تورنتون^۲ (۲۰۰۳:۱۷) و محمودیان (۱۳۸۴:۱۲۰) نیز ازدواج زودرس زنان، با تحصیلات کمتر، قدرت تصمیم‌گیری کمتر در خانواده، فرزندآوری زودتر و تجربه بیشتر خشونت خانوادگی همراه بوده است.

تحصیلات عالی باعث تغییر خود پنداره زنان می‌شود. این تغییرات از عدم وابستگی و گسترش احساس استقلال در آنان تا قویتر شدن آنان برای رویارویی با مشکلات در زندگی است، و باعث می‌شود آنها اهداف واقع بینانه‌تری انتخاب کنند و از این طریق به زندگی خود غنا بخشند (باتلر و دپرز،^۳ ۲۰۰۲:۲۰). از دیگر پیامدهای تحصیلات عالی برای زنان این است که

آموزش عالی باعث افزایش حس امید به آینده و در پرتو آن یافتن خودباوری در دختران می‌شود. دانشگاه محلی امن و مطمئن برای پیشرفت زنان و دخترانی است که آزادی چندانی در محیط خانواده ندارند و سبب ارتقای منزلت اجتماعی آنها و به سبب این موقعیت، تأثیر بر انتخاب همسر در آینده برای آنان می‌شود (شاوورینی، ۲۰۰۵:۲۹). پژوهشگرانی مانند گرین و هیل^۴ (۲۰۰۳) و ریموند و جانسون^۵ (۲۰۰۳:۴۹) اظهار می‌دارند که پیامدهای آموزش عالی برای زنان به طور خاص عبارتند از: شادکردن والدینشان، حرفه‌اندوزی، بالا رفتن سن ازدواج و تربیت بهتر فرزندان و افزایش خانواده‌های تک فرزندی.

به عقیده تروم میوسیس^۶ (۲۰۰۴:۷۱) آموزش و تحصیلات عالی برای زنان با فواید اقتصادی و غیر اقتصادی همراه است. از جمله فواید غیر اقتصادی می‌توان به توجه بیشتر به سلامتی و آشنایی با اقدامات پیشگیرانه در جهت حفظ سلامتی برای زنان، آگاهی بیشتر در زمینه کسب رضایت در زندگی مشترک و تدوین برنامه منظم‌تر در دوران بازنشستگی اشاره نمود. دیر^۷ (۲۰۰۷)، نیز در پژوهشی در ارتباط با پیامدهای حضور زنان در آموزش عالی، به این نتیجه دست یافت که از جمله پیامدهای این پدیده عبارتند از: به دست آوردن کنترل شخصی و استقلال بیشتر مالی و تصمیم‌گیری، تغییر یافتن نگرش زنان به آینده در جهت مثبت، رسیدن به اهداف شخصی و حرفه‌ای و افزایش زیرکی و آگاهی و موفقیت در تربیت فرزندان.

^۴ Green & Hill

^۵ Raymond & Jounson

^۶ Troumpoucis

^۷ Deer

^۱ Shirahase

^۲ Jensen & Thornton

^۳ Butler & Deprez

با وجود این، به عقیده ساکس^۴ (2007:672) حتی امروزه که اکثر پذیرفته‌شدگان دانشگاهی را زنان به خود اختصاص داده و توانسته‌اند شکاف‌های جنسیتی عمیق و قدیم را در موفقیت‌ها و دستاوردهایی که کسب می‌کنند، برطرف نمایند، با این حال، موضوع تفاوت‌های جنسیتی همچنان در دو سطح ملی و جهانی مطرح است. به عبارتی، اگر چه آمار آموزش عالی تصویر زیبایی از حضور زنان در دانشگاه‌ها را نشان می‌دهد و امید بیشتری نسبت به اتمام این دوره توسط زنان می‌رود و موضوع رایج برابری جنسیتی تا اندازه‌ای محقق شده، ولی هنوز زنان در دانشگاه‌ها با چالش‌های جنسیتی مربوط به گذشته و موانع جدید روبه‌رو هستند.

عوامل متعددی در ایجاد شکاف جنسیتی قبل از ورود دختران به دانشگاه‌ها وجود دارد. در این زمینه، اندرسون^۵ اندرسون^۵ (2000:67) در پژوهش خود به تعاملات زمان کودکی بین فرزند و والدین اشاره می‌کند؛ به گونه‌ای که کودک آنچه را از والد همجنس خود یا الگوی دیگری ببیند، تقلید می‌کند و طبق آن تصویر خودش را به وجود می‌آورد. با این حال، این الگوبرداری غیر قابل تغییر نیست و در سال‌های اخیر تحت تأثیر فزاینده زنانی که به دنبال تحصیلات بالاتر بوده و وارد بازار کار شده‌اند، قرار گرفته است. اما بارت^۶ (2004:200) گروه همسالان را منبع اصلی فرایند اجتماعی شدن انسان‌ها می‌داند و معتقد است والدین تأثیر چندانی در این فرایند ندارند. از نظر او مدارس از طریق مواد آموزشی، انتظارات معلمان، اهداف آموزشی و روابط همسالان، دختران و پسران را تشویق می‌کنند تا مهارت‌ها و تصاویر ذهنی خود را مطابق با نقش‌های جنسیتی خود هماهنگ کنند. از جمله تبعیض‌های جنسی می‌توان به کلیشه‌های آشکار در برنامه

اگیونرین^۱ (۲۰۰۳) معتقد است زنان قرن ۲۱ باید دارای قریحه و استعدادهای متفاوت، ذهن‌های مستقل، اعتماد به نفس بوده، اشخاصی جسور و بی پروا در توسعه جامعه خود و رفاه خانواده باشند و در این رابطه بهره‌مندی آنان از فرصت‌های آموزشی راهگشای آنان است.

سالنیر^۲ (۲۰۰۵) نیز بر این نکته تأکید دارد که آموزش عالی در آمریکا برای زنان به عنوان بستری برای دستیابی به شغل بهتر، موقعیت اجتماعی بالاتر و دوری جستن از فقر است و به نظر برادلی، زنانی که توانایی‌های ذهنی بالاتری دارند و می‌توانند آینده شغلی خود را پیش‌بینی کنند، گرایش بیشتری به ادامه تحصیل از خود نشان می‌دهند. باید گفت که افزایش سطح تحصیلات زنان، اشتغال و رشد جنبش‌های رهایی بخش زنان، تأثیر بسزایی در دگرگونی نقش‌های سنتی زنان و افزایش آگاهی‌های جنسیتی در بین آنها داشته است (جوانا^۳، 2003:195). پیامدهای تحصیلات عالی برای زنان از دیدگاه پژوهشگران مختلف بسیار گوناگون است، اما در پژوهش حاضر پیامدهای فرهنگی - اجتماعی و فردی - خانوادگی این پدیده بررسی می‌گردد. منظور از پیامدهای فرهنگی - اجتماعی در این تحقیق، بررسی تأثیر تحصیلات عالی زنان بر جایگاه فرهنگی - اجتماعی آنها در پی راهیابی به آموزش عالی بوده که به وسیله گویه‌های ۱ تا ۱۵ پرسشنامه سنجش شده است و منظور از پیامدهای فردی - خانوادگی، بررسی تأثیر تحصیلات عالی زنان بر جایگاه فردی - خانوادگی آنان در پی راهیابی به آموزش عالی بوده که به وسیله گویه‌های ۱۶ تا ۲۹ پرسشنامه سنجیده شده است.

⁴ Sax

⁵ Anderson

⁶ Barnett

¹ Ogunrin

² Salnier

³ Joanna

آموزش عالی بر حسب عوامل جمعیت‌شناختی (جنسیت، گروه تحصیلی، مقطع تحصیلی، سال تحصیلی، میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال) تفاوت وجود دارد؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری شامل همه دانشجویان زن و مرد مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه‌های شهید بهشتی و علامه طباطبایی تهران، بوعلی سینای همدان و شهید چمران اهواز در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ به تعداد ۴۷۵۷۵ نفر بودند که از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم تعداد ۴۰۳ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. در این شیوه نمونه‌گیری برای انتخاب اعضای گروه نمونه نخست جامعه مادر را به گروه‌های کوچکتر و متجانسی تقسیم می‌کنند، آنگاه بر حسب نسبت حجم نمونه، به حجم هر یک از گروه‌های کوچکتر منشعب از جامعه مادر، اعضای گروه نمونه را به طور تصادفی از هر یک از گروه‌های متجانس انتخاب می‌نمایند (نادری و سیف نراقی، ۱۳۸۳: ۱۶۹) به این منظور، از میان چهار دانشگاه نامبرده، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشکده علوم پایه، دانشکده فنی و مهندسی و دانشکده هنر انتخاب شدند. سپس در این دانشکده‌ها چند کلاس از سه مقطع تحصیلی به صورت تصادفی انتخاب شدند و سرانجام از میان فهرست حضور و غیاب کلاس‌ها، گروه نمونه به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شدند. از تعداد ۴۰۳ پرسشنامه توزیع شده، ۳۹۴ عدد برگشت داده شد.

درسی اشاره کرد که میان رشته‌های "اساساً زنانه" و رشته‌های "اساساً مردانه" تمایز قایل شده، کلیشه‌هایی دختران و پسران را از دستیابی به برابری امکانات در زمینه آموزشی محروم می‌سازند، زیرا انتخاب رشته‌های تحصیلی آنان نه بر اساس گرایش‌ها و استعدادهاشان، بلکه بر مبنای کلیشه‌های تبعیض جنسی به آنان تحمیل می‌شود.

می‌توان به سه مورد از فعالیت‌هایی که در کاهش نابرابری جنسیتی در آموزش عالی تأثیر می‌گذارند، اشاره نمود:

۱- برگزاری کلاس‌های آموزش مداوم برای بزرگسالان برای دگرگون کردن نابرابری میان دو جنس و از بین بردن تبعیضاتی که زنان را گرفتار موقعیت فرو دست در جامعه می‌کند؛ ۲- پرهیز از ترسیم عرصه‌ها و موقعیت‌هایی (خانواده، شغل، زندگی سیاسی، اجتماعی و آموزشی و مانند آن) که فقط جایگاه تجلی ابتکار و هوش و فداکاری افراد یک جنس است؛ ۳- برخورداری از یک زمینه ریاضی در مدارس متوسطه، شکاف دختران و پسران را در هنگام انتخاب رشته کاهش می‌دهد (آیالون^۱، 2003:255).

سؤال‌های پژوهش

۱- از نظر دانشجویان افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی به چه میزان پیامدهای فرهنگی-اجتماعی به دنبال دارد؟

۲- از نظر دانشجویان افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی به چه میزان پیامدهای فردی-خانوادگی به دنبال دارد؟

۳- آیا بین نظرهای دانشجویان در خصوص پیامدهای فوق‌الذکر ناشی از افزایش پذیرش داوطلبان زن در

¹ Ayalon

n : حجم نمونه
 t : ضریب اطمینان
 p : درصد موافقان
 q : درصد مخالفان
 N : جامعه آماری
 d : دقت احتمالی مطلوب

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 t^2 + pq} = \frac{(47575 \times 1/96^2)(0/98 \times 0/02)}{(47575 \times 0/01^2 \times 1/96^2) + (0/98 \times 0/02)} = 403$$

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصد نمونه آماری (دانشجویان) به تفکیک جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	۲۵۶	۶۵/۰
مرد	۱۳۸	۳۵/۰
جمع	۳۹۴	۱۰۰

براساس یافته‌های حاصل از آمار توصیفی، ۶۵٪ نمونه آماری را دانشجویان زن و ۳۵٪ نمونه آماری را دانشجویان مرد تشکیل داده‌اند. از میان دانشجویان زن ۵۷/۸٪ در گروه علوم انسانی، ۲۵/۸٪ در گروه علوم پایه، ۱۳/۳٪ در گروه فنی و مهندسی و ۳/۱٪ در گروه هنر تحصیل می‌کردند. همچنین، از میان دانشجویان مرد ۳۹/۱٪ به گروه علوم انسانی، ۱۹/۶٪ به گروه علوم پایه، ۴۰/۶٪ به گروه فنی و مهندسی و ۷٪ به گروه هنر تعلق داشتند. از میان دانشجویان زن ۷۴/۶٪ در مقطع کارشناسی، ۱۹/۹٪ در مقطع کارشناسی ارشد و ۵/۵٪ در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بودند و از میان دانشجویان مرد ۶۰/۹٪ در مقطع کارشناسی، ۳۰/۴٪ در مقطع کارشناسی ارشد و ۸/۷٪ در مقطع دکتری به تحصیل اشتغال داشتند.

از آنجا که در مورد موضوع پژوهش پرسشنامه استاندارد شده‌ای وجود نداشت، طی مدت زمانی با مراجعه به منابع مربوط به موضوع و مطالعه کتب و

مقالات متعدد پیرامون موضوع پژوهش، پرسشنامه‌ای حاوی ۲۸ سؤال بسته پاسخ با مقیاس درجه بندی لیکرت توسط پژوهشگر تهیه شد. برای تعیین روایی پرسشنامه، علاوه بر تأیید پنج نفر از اساتید دانشگاهی، از روش تحلیل عاملی تأییدی نیز استفاده شد. شایان ذکر است که همه شاخص‌ها نشان دهنده برازندگی پرسشنامه بودند. پایایی پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای پیامدهای فرهنگی - اجتماعی ۸۷٪ و برای پیامدهای فردی - خانوادگی ۸۴٪ برآورد شد. برای محاسبه نتایج حاصل از پرسشنامه از نرم افزار آماری اس.پی.اس.اس. استفاده شد. در سطح آمار توصیفی از آماره‌هایی، نظیر فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و واریانس و در سطح آمار استنباطی از آزمون‌های t تک متغیره، t مستقل و واریانس یک راهه استفاده شد. با توجه به در دسترس نبودن میانگین جامعه، میانگین طیف لیکرت (عدد ۳) به عنوان میانگین فرضی در نظر گرفته شد.

جدول ۳- روایی سازه پیامدهای فرهنگی - اجتماعی

t	خطا	ضریب تأثیر	روابط بین متغیرها
۷/۲۴	.۰۷۹	.۵۷	فرهنگی -- اجتماعی
۴/۰۴	.۰۸۴	.۳۴	فرهنگی -- اجتماعی
۷/۸۰	.۰۷۸	.۶۱	فرهنگی -- اجتماعی
۹/۸۱	.۰۷۴	.۷۲	فرهنگی -- اجتماعی
۳/۸۸	.۰۸۴	.۳۳	فرهنگی -- اجتماعی
۶/۷۵	.۰۸۰	.۵۴	فرهنگی -- اجتماعی
۳/۱۸	.۰۸۵	.۲۷	فرهنگی -- اجتماعی
۵/۳۳	.۰۸۲	.۴۴	فرهنگی -- اجتماعی
۵/۹۴	.۰۸۱	.۴۸	فرهنگی -- اجتماعی
۷/۰۴	.۰۷۹	.۵۶	فرهنگی -- اجتماعی
۳/۵۱	.۰۸۵	.۳۰	فرهنگی -- اجتماعی
۹/۵۰	.۰۷۴	.۷۱	فرهنگی -- اجتماعی
۱۰	.۰۷۳	.۷۳	فرهنگی -- اجتماعی
۸/۹۰	.۰۷۹	.۶۷	فرهنگی -- اجتماعی
۸/۱۳	.۰۷۷	.۶۳	فرهنگی -- اجتماعی

نیکویی برازش (GFI) نیکویی برازش اصلاح

شده (AGFI)

.۸۴

.۸۹

اندازه‌گیری می‌کند. شاخص‌های برازندگی GFI و AGFI نیز به ترتیب برابر با .۸۹ و .۸۴ بوده است که نشان‌دهنده برازندگی روابط بین شاخص‌های پانزده گانه با سازه پیامدهای فرهنگی - اجتماعی است.

همان‌طور که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود، تمامی روابط بین شاخص‌ها با سازه پیامدهای فرهنگی - اجتماعی معنادار بوده است که نشان می‌دهد شاخص‌های پانزده گانه، سازه پیامدهای فرهنگی - اجتماعی را

جدول ۴- روایی سازه پیامدهای فردی - خانوادگی

روابط بین متغیرها	ضریب تأثیر	خطا	t
فردی - خانوادگی	.۳۲	.۰۸۸	۱/۹۶
فردی - خانوادگی	.۵۹	.۰۸۰	۷/۴۲
فردی - خانوادگی	.۲۹	.۰۸۶	۳/۴۲
فردی - خانوادگی	.۲۲	.۰۸۷	۲/۴۸
فردی - خانوادگی	.۷۹	.۰۷۳	۱۰/۸۱
فردی - خانوادگی	.۳۲	.۰۸۶	۳/۷۷
فردی - خانوادگی	.۶۸	.۰۷۷	۸/۹۱
فردی - خانوادگی	.۵۳	.۰۸۱	۶/۵۲
فردی - خانوادگی	.۵۹	.۰۸۰	۷/۳۲
فردی - خانوادگی	.۵۷	.۰۸۸	۳/۴۲
فردی - خانوادگی	.۲۸	.۸۶	۳/۲۹
فردی - خانوادگی	.۷۴	.۰۷۵	۹/۸۴
فردی - خانوادگی	.۷۱	.۰۸۸	۶/۵۲
فردی - خانوادگی	.۴۹	.۰۸۲	۵/۹۸

نیکویی برازش (GFI) نیکویی برازش اصلاح

شده (AGFI)

.۸۵

.۹۲

فردی - خانوادگی است.

همان‌طور که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود، تمامی روابط بین شاخص‌ها با سازه پیامدهای فردی - خانوادگی معنادار بوده است که نشان می‌دهد شاخص‌های چهارده گانه، سازه پیامدهای فردی - خانوادگی را اندازه‌گیری می‌کند. شاخص‌های برازندگی GFI و AGFI نیز به ترتیب برابر با ۰/۹۲ و ۰/۸۵ بوده است که نشان دهنده برازندگی روابط بین شاخص‌های چهارده گانه با سازه

یافته‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش: از دیدگاه دانشجویان، افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی به چه میزان پیامدهای فرهنگی - اجتماعی به دنبال دارد؟

جدول شماره ۵- توزیع فراوانی و درصد پاسخ سؤال‌های مربوط به پیامدهای فرهنگی - اجتماعی ناشی از افزایش میزان پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی

ردیف	گویه	طیف	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
۱	افزایش آگاهی‌های عمومی و رشد فرهنگی زنان	فراوانی درصد	۹ ۲۳	۱۹ ۴/۸	۵۹ ۱۵/۰	۱۸۳ ۴۶/۴	۱۲۴ ۳۱/۵	۴/۰۰
۲	افزایش منزلت اجتماعی زنان	فراوانی درصد	۱۰ ۲/۵	۱۰ ۲/۵	۷۰ ۱۷/۸	۱۷۲ ۴۳/۷	۱۳۲ ۳۳/۵	۴/۰۳
۳	دور شدن زنان تحصیل کرده از خرافات و عدم اعتقاد به آن در زندگی	فراوانی درصد	۶ ۱/۵	۲۵ ۶/۳	۸۱ ۲۰/۶	۱۶۵ ۴۱/۹	۱۱۷ ۲۹/۷	۳/۹۱
۴	گسترش مهارت‌های ارتباطی و تعامل اجتماعی زنان تحصیل کرده	فراوانی درصد	۴ ۱/۰	۱۲ ۳/۰	۶۴ ۱۶/۲	۱۸۷ ۴۷/۵	۱۲۷ ۳۲/۲	۴/۰۶
۵	افزایش آگاهی زنان و ارتقای نقش آنان در تربیت نسل آینده	فراوانی درصد	۵ ۱/۳	۱۴ ۳/۶	۶۱ ۱۵/۵	۱۵۱ ۳۸/۳	۶۳ ۴۱/۴	۴/۱۴
۶	فرزندان زنان تحصیل کرده، کمتر دچار آسیب و بزه اجتماعی می‌شوند	فراوانی درصد	۲۱ ۵/۳	۴۴ ۱۱/۲	۱۳۹ ۳۵/۳	۱۱۷ ۲۹/۷	۷۳ ۱۸/۵	۳/۴۴
۷	افزایش واقع بینی و درک صحیح تر زنان تحصیل کرده	فراوانی درصد	۹ ۲/۳	۱۷ ۴/۳	۱۰۹ ۲۷/۷	۱۶۷ ۴۲/۴	۹۲ ۲۳/۴	۳/۸۰
۸	کاهش نگرش مردسالاری و در نتیجه کاهش تبعیض نسبت به زنان	فراوانی درصد	۳ /۸	۲۲ ۵/۶	۲۴۴ ۳۶/۵	۱۵۳ ۳۸/۸	۷۲ ۱۸/۳	۳/۶۸
۹	آشنایی بیشتر زنان با حقوقشان در بعد فردی و اجتماعی	فراوانی درصد	۱۱ ۲/۸	۸۷ ۲۲/۱	۱۹۹ ۵۰/۵	۹۷ ۲۴/۶	۳/۹۶	
۱۰	افزایش میزان مشارکت اجتماعی زنان	فراوانی درصد	۱ ۰/۳	۱۰ ۲/۵	۹۷ ۲۴/۶	۲۰۴ ۵۱/۸	۸۲ ۲۰/۸	۳/۹۰
۱۱	ابهام و تضاد نقش زنان، چرا که زنان تحصیل کرده مجبورند چندین نقش اجتماعی (خانه داری، فرزندداری، مسؤولیت شعلی و را همزمان ایفا کنند.	فراوانی درصد	۱۷ ۴/۳	۶۵ ۱۶/۵	۱۶۱ ۴۰/۹	۹۴ ۲۳/۹	۵۷ ۱۴/۵	۳/۲۷
۱۲	افزایش توان سازگاری زنان با هنجارهای جهانی (شهروند جهانی شدن)	فراوانی درصد	۶ ۱/۵	۳۳ ۸/۴	۱۳۰ ۳۳/۰	۱۷۸ ۴۵/۲	۴۷ ۱۱/۹	۳/۵۷
۱۳	افزایش میزان علاقه زنان به مطالعه کتب و مطبوعات	فراوانی درصد	۱۰ ۲/۵	۳۰ ۷/۶	۱۰۰ ۲۵/۴	۱۸۴ ۴۶/۷	۷۰ ۱۷/۸	۳/۶۹
۱۴	گسترش بیشتر ارزش‌های اخلاقی در گفتار و رفتار زنان تحصیل کرده	فراوانی درصد	۸ ۲/۰	۲۷ ۶/۹	۱۱۳ ۲۸/۷	۱۶۵ ۴۱/۹	۸۱ ۲۰/۶	۳/۷۲
۱۵	نیاز به تجدید نظر در قوانین و مقررات استخدامی به دلیل حضور بیشتر زنان در محیط‌های کاری	فراوانی درصد	۱۶ ۴/۱	۴۰ ۱۰/۲	۱۲۵ ۳۱/۷	۱۴۵ ۳۶/۸	۶۸ ۱۷/۳	۳/۵۳

و «افزایش آگاهی‌های عمومی و رشد فرهنگی زنان» به ترتیب با میانگین ۴/۰۳ و ۴/۰۰ بوده‌اند. کمترین میانگین نمره پاسخ‌ها مربوط به گویه «ابهام و تضاد نقش زنان، چرا که زنان تحصیل کرده مجبورند چندین نقش اجتماعی (خانه‌داری، فرزنداریف مسؤولیت شغلی و) را همزمان ایفا کنند» با میانگین ۳/۲۷ بوده است.

همان‌طور که در جدول شماره ۵ نشان داده شده است، بیشترین میانگین نمره پاسخ‌های مربوط به گویه‌های «افزایش آگاهی زنان و نقش آنان در تربیت نسل آینده» با میانگین ۴/۱۴ و «گسترش مهارت‌های ارتباطی و تعامل اجتماعی زنان تحصیل کرده» با میانگین ۴/۰۶ بوده است. دیگر گویه‌هایی که میانگین بالایی را به خود اختصاص داده بودند، «افزای منزلت اجتماعی زنان»

جدول ۶- مقایسه میانگین نمره پیامدهای فرهنگی - اجتماعی ناشی از افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی با

میانگین فرضی ۳

P	t	Se	S	\bar{X}	پیامد
./۰۰۱	۳۰/۷	۰/۰۲۵	۰/۵۰۷	۳/۷۸	فرهنگی - اجتماعی

سؤال دوم پژوهش: از دیدگاه دانشجویان افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی به چه میزان پیامدهای فردی - خانوادگی به دنبال دارد؟

بر اساس یافته‌های جدول (۶) t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح $P \leq .1$ بزرگتر است، بنابراین، افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی بیش از حد متوسط پیامدهای فرهنگی - اجتماعی به همراه داشته است.

جدول ۷- توزیع فراوانی و درصد پاسخ سؤال‌های مربوط به پیامدهای فردی - خانودگی ناشی از افزایش میزان پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی

ردیف	گویه	طیف	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
۱۶	سخت‌گیری دختران تحصیل کرده در انتخاب همسر	فراوانی	۷	۱۷	۷۳	۱۳۳	۱۶۴	۴/۰۹
		درصد	۱/۸	۴/۳	۱۸/۵	۳۳/۸	۴۱/۶	
۱۷	پیش آمدن موقعیت‌های بهتر برای ازدواج دختران	فراوانی	۲۰	۴۹	۱۵۵	۱۰۶	۶۴	۳/۳۶
		درصد	۵/۱	۱۲/۴	۳۹/۳	۲۶/۹	۱۶/۲	
۱۸	بالا رفتن سن ازدواج دختران	فراوانی	۵	۱۱	۶۵	۱۴۳	۱۷۰	۴/۱۷
		درصد	۱/۳	۲/۸	۱۶/۵	۳۶/۳	۴۳/۱	
۱۹	استقلال بیشتر در انتخاب همسر برای دختران تحصیل کرده	فراوانی	۱۲	۲۲	۹۳	۱۷۴	۹۳	۳/۷۹
		درصد	۳/۰	۵/۶	۲۳/۶	۴۴/۲	۲۳/۶	
۲۰	افزایش توقعات زنان از همسرانشان	فراوانی	۱۳	۳۳	۸۹	۱۱۴	۱۴۵	۳/۸۷
		درصد	۳/۳	۸/۴	۲۲/۶	۲۸/۹	۳۶/۸	
۲۱	ایجاد بی میلی نسبت به تشکیل خانواده و زندگی مشترک برای دختران	فراوانی	۳۹	۷۵	۱۲۰	۹۷	۶۳	۳/۱۷
		درصد	۹/۹	۱۹/۰	۳۰/۵	۲۴/۶	۱۶/۰	
۲۲	رعایت بیشتر ارزش اعتدال و قناعت در زندگی زنان تحصیل کرده	فراوانی	۳۴	۸۲	۱۴۰	۱۰۴	۳۴	۳/۰۵
		درصد	۸/۶	۲۰/۸	۳۵/۵	۲۶/۴	۸/۶	
۲۳	تأخیر در تولد نخستین فرزند	فراوانی	۵	۱۵	۸۰	۱۶۷	۱۲۷	۴/۰۰
		درصد	۱/۳	۳/۸	۲۰/۳	۴۲/۴	۳۲/۲	
۲۴	افزایش نقش زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده	فراوانی	۳	۷	۷۲	۲۲۴	۸۸	۳/۹۸
		درصد	۰/۸	۱/۸	۱۸/۳	۵۶/۹	۲۲/۳	
۲۵	افزایش خانواده‌های تک فرزندی	فراوانی	۴	۱۲	۸۳	۱۵۵	۱۴۰	۴/۰۵
		درصد	۱/۰	۳/۰	۲۱/۱	۳۹/۳	۳۵/۵	
۲۶	مدیریت بهتر خانواده توسط زنان تحصیل کرده	فراوانی	۱۰	۲۴	۱۲۷	۱۵۱	۸۲	۳/۶۸
		درصد	۲/۵	۶/۱	۳۲/۲	۳۸/۳	۲۰/۸	
۲۷	بهبود وضعیت کیفی و بهداشتی تغذیه و سبب غذایی خانوار	فراوانی	۶	۱۰	۱۰۸	۱۷۴	۹۶	۳/۸۷
		درصد	۱/۵	۲/۵	۲۷/۴	۴۴/۲	۱۴/۴	
۲۸	توسعه بهداشت و تنظیم خانواده	فراوانی	۷	۱۸	۶۶	۱۹۵	۱۰۸	۳/۹۶
		درصد	۱/۸	۴/۶	۱۶/۸	۴۹/۵	۲۷/۴	
۲۹	کم رنگ شدن نقش زنان در پیشرفت تحصیلی فرزندان	فراوانی	۶۳	۱۱۶	۱۱۵	۶۴	۳۶	۲/۷۳
		درصد	۱۶/۰	۲۹/۴	۲۹/۲	۱۶/۲	۹/۱	

«تأخیر در تولد نخستین فرزند» و «افزایش نقش زنان در تصمیم گیری‌های خانواده» به ترتیب با میانگین ۴/۰۵، ۴/۰۰ و ۳/۹۸ کمترین میانگین نمره پاسخ‌ها مربوط به گویه «کم رنگ شدن نقش زنان در پیشرفت تحصیلی فرزندان» با میانگین ۲/۷۳ بوده است.

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۷ بیشترین میانگین نمره پاسخ‌ها مربوط به گویه‌های «بالا رفتن سن ازدواج دختران» با میانگین ۴/۱۷ و «سخت‌گیری دختران تحصیل کرده در انتخاب همسر» با میانگین ۴/۰۹ بوده است. دیگر گویه‌هایی که میانگین بالایی را به خود اختصاص داده بودند، عبارتند از «افزایش خانواده‌های تک فرزندی»،

جدول ۸- مقایسه میانگین نمره پیامدهای فردی - خانوادگی ناشی از افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی با

میانگین فرضی ۳

پیامد	\bar{X}	S	Se	t	P
فردی - خانوادگی	۳/۷۰	۰/۴۳۴	۰/۰۲۱	۳۲/۰۷	۰/۰۰۱

خانوادگی ناشی از افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی بر حسب عوامل جمعیت شناختی (جنسیت، گروه تحصیلی، مقطع تحصیلی، سال تحصیلی، میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال) تفاوت وجود دارد؟

بر اساس یافته‌های جدول (۸) مشاهده شده در سطح $P \leq 0.1$ است، بنابراین، افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی بیش از حد متوسط پیامدهای فردی - خانوادگی به همراه داشته است.

سؤال سوم پژوهش: آیا بین نظرهای دانشجویان در خصوص پیامدهای فرهنگی - اجتماعی و فردی -

جدول ۹- مقایسه میانگین نمره پیامدهای ناشی از افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی از نظر دانشجویان زن

و مرد

پیامد	جنسیت		مرد		زن	
	\bar{X}	S	\bar{X}	S	\bar{X}	S
فرهنگی - اجتماعی	۳/۸۷	۰/۴۷۵	۳/۶۱	۰/۵۲۱	۵/۱۳	۰/۰۰۱
فردی - خانوادگی	۳/۶۹	۰/۴۴۴	۳/۷۲	۰/۴۱۶	۰/۶۴۴	۰/۵۲۰

همان‌طور که جدول (۹) نشان می‌دهد، t مشاهده شده در خصوص پیامدهای فرهنگی-اجتماعی در سطح $P \leq .01$ معنادار است، بنابراین، بین نظرهای دانشجویان زن و مرد در خصوص این پیامد تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر، پیامدهای افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی از نظر دانشجویان زن در بعد فرهنگی-اجتماعی بیشتر از مردان بوده است و نشان می‌دهد که زنان در این زمینه بیشتر از مردان بر بروز پیامدهای فوق‌الذکر تأکید داشته‌اند.

شایان ذکر است که در سایر عوامل جمعیت‌شناختی (گروه تحصیلی، مقطع تحصیلی، ترم تحصیلی، میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال) تفاوت معناداری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج جدول (۶) میانگین نمره پیامدهای فرهنگی-اجتماعی افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی $3/78$ و انحراف معیار آن $5/07$ و مقدار t محاسبه شده آن برابر با $30/7$ بود که در سطح خطای یک درصد معنادار بوده است. بنابراین، از نظر دانشجویان افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی بیش از حد متوسط پیامدهای فرهنگی-اجتماعی در بر داشته است. بیشترین میانگین نمره پاسخ‌ها با توجه به جدول (۵) مربوط به گویه «افزایش آگاهی‌های زنان و نقش آن در تربیت نسل آینده» با میانگین $4/14$ است. این بدان معناست که پاسخ دهندگان معتقدند که تحصیلات عالی زنان نقش مؤثری در بالا رفتن آگاهی‌های آنها و در نتیجه تربیت

نسل آینده دارد. تربیت صحیح فرزندان، یکی از ارکان اساسی خانواده با محوریت مادر است، بنابراین، زنان تحصیل کرده به عنوان مریبان اصلی و آموزگاران اولیه در چارچوب خانواده نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کنند. به عنوان یک اثر غیر مستقیم، افزایش سطح تحصیلات مادران موجب افزایش درآمد آنان و رفاه نسبی خانواده و در نتیجه افزایش امکان تأمین هزینه و مخارج تحصیل فرزندان می‌گردد. همچنین کمک و راهنمایی‌های آموزشی مادران تحصیل کرده موجب بهبود وضعیت تحصیلی فرزندان می‌شود. این نتیجه با نتایج پژوهش شیخی (۱۳۸۰)، بودون (۱۳۸۳)، پرستگاری و ریحانی (۱۳۸۵)، بیکر و ولز (۱۹۹۶)، برادلی (۲۰۰۰)، اسپنس و بوکندر (۲۰۰۰)، گرین و هیل (۲۰۰۳)، ریموند و جانسون (۲۰۰۳) و دیر (۲۰۰۷) سازگار است. از دیگر گویه‌هایی که میانگین آن در سطح بالایی قرار داشت، گویه «گسترش مهارت‌های ارتباطی و تعامل اجتماعی زنان تحصیل کرده» است. تحصیلات در بین زنان، باعث افزایش آگاهی آنان در زمینه مهارت‌های ارتباطی-گفتاری و اثر بخشی بیشتر در کلام و کنترل احساسات و هیجان‌ها می‌شود. مهارت‌های گفتاری شامل بیان اندیشه‌ها، در میان گذاشتن آگاهی‌ها، بیان خواسته و طرح اقدامات است. استفاده از کلاس‌های آموزشی و آشنایی با شیوه‌های برخورد جدید می‌تواند عاملی در رفع و حل تعارضات خانوادگی باشد. زنان تحصیل کرده بهتر می‌توانند ایجاد رضایت، مدیریت مالی و رسیدگی به امور را بر عهده گیرند. این نتیجه با نظر بودون (۱۳۸۳) که معتقد است افزایش تحصیلات زنان موجب مشارکت اجتماعی بیشتر آنها می‌شود سازگار است. دیگر گویه‌ای که میانگین بالایی را به خود

اختصاص داده بود «افزایش منزلت اجتماعی زنان» بود که این با نتایج پژوهش‌های شاورانی (۲۰۰۵) و سالنیر (۲۰۰۵) مطابقت دارد. با توجه به توضیحات مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که افزایش تعداد دانشجویان دختر و در نتیجه، افزایش میزان تحصیلات زنان چه به عنوان یک عامل اثر گذار مستقیم و چه به عنوان عامل مؤثری بر ارتقای سایر شاخص‌ها و نمادهای منزلتی، از جمله نوع تخصص و مهارت‌های علمی و حرفه‌ای، حیثیت شغلی، قدرت اجتماعی، حقوق و درآمد، مفید بودن، ویژگی‌های شخصیتی و ارزش‌های انسانی و اخلاقی، می‌تواند در ارتقای پایگاه اجتماعی و افزایش منزلت اجتماعی آنان مؤثر باشد.

براساس نتایج جدول (۸) میانگین نمره پیامدهای فردی - خانوادگی ناشی از افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی ۳/۷۰، انحراف معیار آن ۴۳۴/ و مقدار t محاسبه شده آن برابر با ۳۲/۰۷ بود. بنابراین، از نظر دانشجویان افزایش پذیرش داوطلبان زن در آموزش عالی بیش از حد متوسط پیامدهای فردی - خانوادگی در برداشته است. بیشترین میانگین نمره پاسخ‌ها با توجه به جدول (۷) مربوط به گویه «بالا رفتن سن ازدواج دختران تحصیل کرده» با میانگین ۴/۱۷ است. بسیاری از زنان تحصیل کرده معتقدند که ازدواج زود هنگام دلیل محکمی برای عدم پیشرفت می‌شود و به ازدواج در مراحل ابتدایی به عنوان مانعی در راه پیشرفت می‌نگرند. مهمترین عامل در کاهش آمار ازدواج بین قشر تحصیل کرده زنان، استقلال مالی است. امروزه زنان تحصیل کرده در کشورهای صنعتی کمتر تن به ازدواج می‌دهند، چرا که مبادله نقش‌های زن و مرد را به صورت بیان شده توسط پارسونز که زن حسن و جمال خانه داری را با حمایت مرد و

وابستگی اقتصادی خویش نسبت به او مبادله می‌کند، نمی‌پذیرند. همچنین، زنان تحصیل کرده عموماً تمایل ندارند که مسکن آنها مبدل به یک خوابگاه شده، اوقات خویش را وقف نگهداری کودکان و کار منزل کنند. امروزه رواج تعلیمات متوسطه و عالی مانع از ازدواج‌های زودرس شده است. طولانی شدن دوره تحصیل و ضرورت کسب تخصص و ایجاد توقعات اجتماعی جدید، همچون میل به داشتن همسر دارای مدرک تحصیلی عالی، شغل معتبر، مسکن مستقل، تغییر شیوه انتخاب همسر که در گذشته از طریق والدین صورت می‌گرفت، رواج سرگرمی‌ها و تفریحات بیرون از خانه و باب شدن روابط آزاد جنسی که در مناطق شهری رو به فزونی است از دیگر عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج است. شیوه نگرش زنان نسبت به ازدواج و وضعیت‌های مرتبط با آن می‌تواند زمان ازدواج آنها را تحت تأثیر قرار دهد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش بودون (۱۳۸۳)، محمودیان (۱۳۸۳)، کاظمی پور (۱۳۸۳)، محمودیان (۱۳۸۴)، جنسن و تورنتون (۲۰۰۳)، ریموند و جانسون (۲۰۰۳) و گرین و هیل (۲۰۰۳) که معتقدند تحصیلات عالی زنان موجب بالارفتن سن ازدواج آنها می‌شود، هماهنگ است.

دیگر گویه‌ای که به نظر پاسخگویان میانگین بالایی داشته است، گویه «سخت‌گیری دختران تحصیل کرده در انتخاب همسر» است. سطح تحصیلات از ابعاد گوناگون بر افزایش سن ازدواج تأثیر گذار است. طولانی شدن دوران آموزشی، سن ازدواج را به تأخیر می‌اندازد و زنان تحصیل کرده به دلیل گرایش به انتخاب همسرانی تحصیل کرده به ناچار مدتی را در انتظار باقی می‌مانند. انتظارات و

۲ محمودیان، حسین. (۱۳۸۴). "ماهیت نامتجانس بهبود موقعیت زنان در ایران"، پژوهش زنان، ش ۲، صص ۱۱۵-۱۳۶.

۳ خادری، عزت‌الله و سیف‌نراقی، مریم. (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق در علوم انسانی (با تأکید بر علوم تربیتی)*، تهران: انتشارات بدر، چاپ بیست و چهارم.

۴ جلالی، محمود و بنی‌نجاریان، صفورا. (۱۳۸۵). "تحلیلی پیرامون مشارکت سیاسی زنان در نظام سیاسی حقوق ایران"، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی نقش زنان در توسعه علوم، فرهنگ و تمدن اسلامی، ج ۲، انتشارات دانشگاه اصفهان.

۵ پرستگاری، سهیلا و ریحانی، میترا. (۱۳۸۵). "بررسی نقش دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه مشارکت زنان «تحکیم خانواده»". مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای بزرگداشت ربع قرن فعالیت دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، صص ۱۷۱-۱۷۷.

۶ پیشگاهی فرد، زهرا. اسدی‌راد، مریم. (۱۳۸۲). "بررسی رابطه میان آموزش عالی زنان در ایران و حضور آنان در عرصه‌های قانونگذاری"، پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ش ۲۹، صص ۱۵۹-۱۹۶.

۷ سالنامه آماری کشور. (۱۳۸۵). انتشارات: مرکز آمار ایران.

۸ ششیخی، محمد تقی. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.

۹ کاظمی‌پور، شهلا. (۱۳۸۳). "تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر آن"، پژوهش زنان، ش ۳، صص ۴۶-۶۳.

توقعات افراد تحصیل کرده از خانواده و ازدواج بیشتر است و آنها را مدت بیشتری در جستجوی فرد مناسب سرگردان می‌سازد. ازدواج جزو اولویت‌های زندگی زنانه است، اما با یک نظر سنجی ساده از یک دختر تحصیل کرده و یک دختر تحصیل نکرده می‌توان دریافت که اگر ازدواج برای یک دختر تحصیل کرده اولویت پنجم و ششم است، برای دختر تحصیل نکرده ازدواج، اولویت اول است. زنان تحصیل کرده ابتدا سعی می‌کنند به هدف‌های متعدد دست یابند و در نهایت ازدواج کنند، زیرا با تغییر نگرشی که رخ داده، ازدواج تنها راه پیشرفت و ترقی محسوب نمی‌شود.

«افزایش خانواده‌های تک‌فرزندی»، گویه دیگری بود که میانگین بالایی داشت. مادران تحصیل کرده، اهمیت و ارزش بیشتری برای سلامت جسمانی و روانی فرزندان خود قائل هستند. آنها ترجیح می‌دهند یک فرزند داشته باشند، اما او را با دقت و کیفیت بهتری تربیت کنند و امکانات تحصیلی بیشتری در اختیارش قرار دهند. به عنوان یک اثر غیر مستقیم، افزایش سطح تحصیلات مادران موجب افزایش درآمد آنان و رفاه نسبی خانواده و در نتیجه، افزایش امکان تأمین هزینه و مخارج تحصیل فرزندان می‌گردد. همچنین، کمک و راهنمایی‌های آموزشی مادران تحصیل کرده موجب بهبود وضعیت تحصیلی فرزندان می‌شود.

منابع

۱- ودون، ریموند. (۱۳۸۳). *منطق کنش اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات توتیا.

- College"; *Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College*.
- 21-Green, R.j. Hill, J.H. (2003) "Sex and Higher Education: Do Men and Women Attend Colleg for Different Reasons?"; *College student Journal*, Vol.(37), pp: 47-84.
- 22-Jang, S.Y. Merriam, S. (2004) "Korean culture and the reentry motivation of university graduated women"; *Adult education Quartrly*, Vol(54), pp:273-290.
- 23-Jensen R.. Thornton, R. (2003) Early female marriage in the developing world, *Gender and development*, Vol(11), PP: 9-19.
- 24-Joanna, E. (2003) The Gender Gap in Canada. *Socicoloy& Anthropology*, Vol (35), pp:191-220.
- 25-Kingsbury. A. (2007) " Admittedly Unequal, Many Colleges are Rejecting Women at Rates Drastical Higher than Those for Men". From: [http:// proquest.umi.com](http://proquest.umi.com)
- 26-Ledwith, S. Manfredi, S. (2000) " Balancing Ender in Higher Education: A Study of the Experiece of Senior Women in a UK University"; *European Journal of Women`s studies*, Vol (7), pp: 7-33.
- 27-Luckenbill. E.I. (2002) "The Education Pipeline for Women in Biology: No Longer Leaking? "; *Bioscience*, Vol(52), PP:513-523.
- 28-Ogunrin, A.B. (2003) 'University Education and Wage Employment as Ppredicators for Womens Empowerment in Osun State'; *Obafemi Aawolow University Nigeria*.
- 29-Parkerson. A.H. (2004) " Time for a Chang: Rethinking the Development of Women and Girls"; *Educational Research*, Vol(33), PP: 29-35.
- 30-Raymond, H. Jounson, H. (2003) "Sex and Higher Education: Do Men and Women Attend Colleg for Different Reasons?"; *College student Journal*, Vol(37), pp: 1-50.
- 31-Salnier, C.F. (2005) *Reclaming Cass: Women, Poverety and the Promise of higher Education in America*. Amesterdam: Sage.
- 32-Sax, L.J. (2007) "College Women Still Face Many Obstacles in Reaching Their Full Potential. *Chronicle of Higher Education*", vol. 54(5), pp:1-4.
- 33-Shavarani, M. (2005) "The Feminization of Iranian Higher Education", *Review of Education*. Vol(10), PP:5-12.
- ۱۰ - _____ . (۱۳۸۶). "چالش های اشتغال زنان دانش آموخته در ایران"، *زنان و آموزش عالی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۱۱ - کدیور، پروین. (۱۳۸۲). *بررسی پدیده‌ی جهانی شدن و چالش های آن در آموزش عالی و تعلیم و تربیت*، تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- ۱۲ - محمودیان، حسین. (۱۳۸۳). «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۴، صص ۲۷-۵۳.
- 13-Anderson, L. (2000) "The Gender Gap: Convergence or Divergence Over the College Years?" *New Directions foe Institutional Rresearch*, Vol (12), PP:51-73.
- 14-Ayalon, H. (2003) "Women and Men Go to University: Mathematical Background and Gender Differences in Choice of Field in Higher Education"; *Sex Roles*, Vol(48), pp: 277-240.
- 15-Baker. T.L, Velez. W. (1996) "Access to and Opportunity in Postsecondly Education in the United states: A Review"; *Sociology of Education*, Vol(69), PP:83-85.
- 16-Barnett, R. (2004) "Same Difference: How Gender Myths are Huting Our Relationships, Our Children, and Our Job"; *Jornal of College Student Development*, Vol(34), pp:195-220.
- 17-Bates, MJ. (2002) *Educating Rita: an Examination of the Female Life Couse and its Influence on Womens Participation in Higher Education*"; *New Horizons in Adult Education*. Vol(16). PP:28-38.
- 18-Bradley, K. (2000) "The Incorporation of Women into Higher Educathon: Paradoxical Outcomes?"; *Sociology of Education*, Vol (73), pp: 4-18.
- 19-Butler, S. Deprez, L. (2002) "Something Worth Fighting Fir: Higher Education for Women on Walfara"; *Sex Role*. Vol (30), PP:12-20.
- 20-Deer, L. (2007) "Hope for Today and Tomorrow: Identity Construction/ Power/ and Persistence of Community College Women Who are First in their Families to Aattend

- 34-Shirahase, S. (2000) "Womens Increased in Higher Education and Declining Fertility Rate in japan" ;*Review of population and social policy*, Vol(34), PP:41-63.
- 35-Spence. J.T, Bukner. C.E. (2000) " Instrumental and Expressive Traits Stereotypes and Sexist Attitudes"; *Psychology of Women Quarterly*, Vol(24), PP:44-62
- 36-Srinivasan. V. (2004) "Women`s Education: A Global Challenge", *Signs*, Vol(29), PP:323-356.
- 37-The Iinternational Bank for Reconstruction. (2002) "The Engendering Devdlopment Through Gender Equality in Rights"; *Resources and Voice*, PP :13-14.
- 38-Troumpoucis, P. (2004) "Women Rreap Mmore Benefits from Higher Education Study Finds. *Black Iissues Higher Education*", vol (21).
- 39-Van, Valey. T.L. (2001) "Recent Changes in Higher Education and Their Ethical Implications"; *Teaching Sociology*, Vol(21).